

نوروز و قاجارها

بخشی از باب بیست و پنجم کتاب «تاریخ ایران» نوشته جان مالکوم به موضوع عید نوروز و طریقه برگزاری آن در عهد فتحعلی شاه قاجار اختصاص دارد. مالکوم نخستین فرستاده حکومت انگلیسی هندوستان به ایران بود که بنای روابط بعدی دو کشور را پی ریزی کرد. او دو بار به ایران آمد و اندوخته‌ها و آموخته‌های خود را در کتابی ارزشمند به نام «تاریخ ایران» گرد آورد. این کتاب توسط یک ایرانی مقیم هند به نام میرزا اسماعیل حیرت به نثری شیرین ترجمه شده است. به مناسبت این روزها بخش‌های مربوط به نوروز کتاب مذکور را مرور می‌کنیم.

«عید نوروز که روز وصول شمس به نقطه تقاطع ربیعی است... تا هنوز به سیاق ایام قدیم در اهالی ایران جاری است. سنیان بر این رسم طعن کنند و از رسوم کفار دانند، اما ایرانیان سبب دیگر از برای اجرای این عید پیدا کرده اند بدین وجه که آن روز را جلوس حضرت علی به خلافت دانند. افسانه‌های بسیار در باب این روز گفته شده است. گبرانی که سابقاً سکنه ایران بودند حساب سال را به قاعده دوره شمسی می‌کردند. سال قمری در ایشان رسم نبود. سال ایشان به دوازده قسمت می‌شد، هر یک قسمت را ماه می‌گفتند و از برای هر ماه و هر روز از هر ماه نامی داشتند و این نام‌ها را از نام فرشتگانی گرفته بودند که موکل هر ماه و هر روز می‌دانستند و گویند عادت سلاطین قدیم ایران آن بود که در هر روز لباس مخصوص می‌پوشیدند چنانکه اسم نوروز «هرمزد» و لباس مخصوص به آن قرمز زربفت بوده است و دلایل عدیده گفته شده است به جهت اینکه چرا این روز به جهت عید اختیار شده است. یکی از مصنفین می‌گوید که خدا در این روز شروع به ایجاد عالم کرده سیارگان را به حرکت انداخت. دیگری گوید که جمشید چون بنای [شهر] اصطخر را تمام کرد در این روز در آن داخل شد و حکم کرد تا آن را عید کنند. بالجملة افسانه‌های دیگر نیز در این باب بسیار گفته‌اند، لکن حقیقت این است که ابتدای ربیع (بهار) است و انتهای شتا (زمستان) و موسم شادی و نشاط طبیعت.»

• دوران فتحعلی شاه

«رسم در ایران این است که به جهت اجرای مراسم نوروز پادشاه از شهر بیرون می‌رود و از وزرا و امرا و اعیان و سپاه نیز هر قدر حضور دارند ملتزم رکاب می‌شوند. سرپرده پادشاهی را در فضای وسیعی برپا می‌کنند و تخت پادشاه را در آن می‌نهند. در اول تحویل [سال] پیشکش‌های حکام بلاد و مالیات و ولایات را می‌گذرانند و تا چند روز به عیش و عشرت می‌گذرانند. از جمله اسباب نشاط این ایام اسب دوانی است و اسبان پادشاه غالباً بر سایر اسبان غالب می‌آیند و پادشاه چابک سواران را با انعام و

احسان شاهانه مفتخر و مشکور می سازد... پادشاه جمیع امرای درخانه (دربار) را به تشریفات شاهانه و خلاع ملوکانه - علی حسب درجاتهم - (یعنی متناسب با شأن هر یک) مباحی و مفتخر می سازد و هر یک از امرا نیز خدمتکاران خود را علی قدر مراتبهم به جایزه و انعام خرسند و خوشنود می گردانند. در جمیع اطراف مملکت این عید را می گیرند و غالباً تا یک هفته طول می کشد اما اصل روز اول است. در این روز جمیع طبقات ناس (مردم) لباس نو می پوشند و با یکدیگر معانقه و مصاحفه می کنند و در خانه ها شیرینی می دهند... یکی از مخصوصات سلاطین ایران این است که همیشه باید یک دسته مغنی و مطرب داشته باشند و در اعیاد و ایامی که در لشکر می باشند لوای مخصوص برپا کنند.» («تاریخ ایران»، جان مالکوم، ترجمه میرزا اسماعیل حیرت)

• عهد ناصری

حدود پنجاه سال پس از نخستین سفر مالکوم به ایران، کلنل جاستین شیل سفیر بریتانیا در تهران بود. همسر او ماری شیل خاطرات خود را از دوران اقامت در ایران به صورت کتابی منتشر کرده است. روایت او از مراسم نوروز صورتی را نشان می دهد که این عید در اوایل عهد ناصرالدین شاه قاجار داشته است: «۱۰ مارس ۱۸۵۰: نوروز نزدیک است. کلنل شیل امروز مایل بود با صدراعظم (امیرکبیر) ملاقات کند، ولی به او خبر دادند که حضرت اشرف مشغول تهیه و انتخاب شال هایی است که روز بیست و دوم همین ماه (نوروز) به عنوان انعام و بخشش شاه به کلیه درباری ها اعطا خواهد شد. در چنین روزی بسته به اهمیت و مقام افراد، از شال های کشمیری که نصیب رجال والامقام می شود گرفته تا قبا و پیراهن چیت _ برای خدم و حشم درباری - به آنها تعلق خواهد گرفت... با اینکه در این دوران از شکوه و عظمت جشن های نوروزی کاسته شده و ارزش هدایای متبادله نیز نقصان یافته، بسیار بعید به نظر می رسد که این جشن ملی باستانی روزی در ایران ملغی شود، زیرا برگزاری آن در موقعیتی است که اصولاً فصل جشن و سرور و شادی همگانی است و باید اعتراف کرد که ایرانی ها در مورد برگزیدن جشن سال نو معقول تر و منطقی تر از ما بوده اند. آنها به جای اینکه تحویل سال خود را مثل ما در وسط زمستان قرار دهند، آن را طوری انتخاب کرده اند که شروع سال جدیدشان درست در لحظه ورود خورشید به نیمکره شمالی و در حقیقت آغاز سال خورشیدی باشد... [در این روز] همه افراد خانواده لباس نو می پوشند و اطراف یک سفره که در روی آن انواع خوراکی ها به سلیقه رئیس خانواده چیده شده، روی زمین می نشینند... [در لحظه تحویل سال] افراد خانواده یکدیگر را در آغوش می گیرند و سال خوشی را برای هم آرزو می کنند. صفا و صمیمیت و سادگی این مراسم تا حد زیادی نمایانگر روحیات و خصوصیات اخلاقی ایرانی ها است.» (خاطرات لیدی شیل) ترجمه حسین ابوترابیان